



دوفصلنامه تاریخ علوم و فناوری دوره اسلامی
سال هشتم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸
شماره پیاپی: ۱۶

صاحب امتیاز: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب
مدیر مسئول: اکبر ایرانی
سر دبیر: محمد باقری
مدیر داخلی: زینب کریمیان
ویراستار: پویان رضوانی
اجرای جلد: محمود خانی

مدیر فنی و امور چاپ: حسین شاملوفرد

همکاران علمی

حسن امینی * حمید بهلول * پویان رضوانی * حنیف قلندری * یونس کرامتی * امیرمحمد گمینی
شمامه محملی فر * یونس مهدوی * سجاد نیک فهم خوب روان

مشاوران علمی

پرویز اذکائی * یوسف ثبوتی * توفیق حیدرزاده
محمدابراهیم ذاکر * حسن طارمی * حمیدرضا گیاهی یزدی
مهلی محقق * حسین معصومی همدانی * محمدجواد ناطق * سیدحسین نصر
علی بابایف (جمهوری آذربایجان) * جان لئارت برگرن (کانادا) * گلن وان پروملن (کانادا) * احمد جبار (فرانسه)
سرگی دمیدوف (روسیه) * رشدی راشد (فرانسه) * جمیل رجب (کانادا) * سری رامولا سارما (آلمان) * ژاک سزینانو (سوئیس)
جورج صلیبا (امریکا) * حکیم سید ظل الرحمان (هند) * رادا چاران گوپتا (هند) * ریچارد لورج (انگلستان)
مصطفی موالدی (سوریه) * یان پیتر هوخندایک (هلند) * میچیو یانو (ژاپن)

تصویر پشت جلد: شکل موجود در برگ ۱۲۰ پ نسخه خطی شماره ۱۶۹ فارسی کتابخانه ملی پاریس

نشانی مجله: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و ابوریحان، ساختمان فروردین، شماره ۱۱۸۲، طبقه چهارم، شماره ۱۶
کد پستی: ۹۳۵۱۹-۱۳۱۵۶ تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲ دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir
miraselmi@mirasmaktoob.ir / miraselmi90@gmail.com
بها: ۴۰۰۰۰۰ تومان



فهرست

۱ | سرسخن

مقاله

- ابن هیثم ریاضی‌دان، ابن هیثم فلسفه‌دان:
نگاهی به ادله رشدی راشد بر تمایز میان دو ابن هیثم
۵ حامد آرضایی
- پیدایش و سیر تحول دوره ۱۲۸ ساله در تقویم هجری شمسی
۲۳ محمدرضا صیاد
- علوم پزشکی، داروسازی و دامپزشکی در شرق ایران دوره اسلامی
۴۱ و آسیای میانه
- ال. ریشتر-برنبورگ ترجمه پریوش ایزدی و علیرضا گلشنی
۵۸ علم هیئت در تمدن اسلامی
- ی. ت. لانگرم، ترجمه محمد سلیمانی تبار
۸۱ تقویم ملکی در دستورالمنجمین
- بنو وان دالن، ترجمه لاله شاکریان و احسان رمضانی
تعیین سینوس یک درجه در یک رساله سانسکریت
۹۵ با الهام از مثلثات دوره اسلامی
- کلمنسی مونتل و ک. راماسوبرامانیان، ترجمه مریم زمانی
۱۱۶ ساعت‌های آفتابی عثمانی
- جائی فراری، ترجمه مهدی نوروزی‌بخش

معرفی کتاب

- ۱۲۷ ورننامه و ارتباط آن با الفلاحة الرومیه ...
علی صفری آق‌قلعه

نسخه‌های خطی

- ۱۴۸ بررسی محتویات نسخه شماره ۱۶۹ فارسی کتابخانه ملی پاریس
محمد مهدی کاوه‌یزدی

رساله

- ۱۸۶ رساله خلاصه‌الاعداد درباره مربع‌های وفقی
سید جلال‌الدین طهرانی، به کوشش علی مرادی





رساله خلاصه الأعداد درباره مربع های وفقی

سید جلال الدین طهرانی
به کوشش علی مرادی^۱

اشاره

سید جلال الدین طهرانی (۱۲۷۲ تهران - ۱۳۶۶ پاریس) دولتمرد و فاضل دوره حکومت پهلوی علاوه بر تألیف آثاری در نجوم، ترجمه یا تصحیح برخی متون کهن، انتشار چندین شماره گاهنامه از ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۵ رساله ای هم درباره مربع های وفقی دارد که نسخه یکتای آن به خط خودش در چهار برگ به شماره ۱۲۳۳۹ در کتابخانه آستان قدس رضوی (مشهد) نگهداری می شود و متن مصحح آن در پی می آید. برخی مطالب این رساله کوتاه برگرفته از بستان السیاحه اثر زین العابدین شیروانی (د ۱۲۵۳ق) (تهران، ۱۳۱۵، ص ۴۰۸-۴۱۱) و کنوزالمعزمین ابن سینا (تصحیح همائی، تهران، ۱۳۳۱، ص ۵۳-۵۴) است. برای اطلاع بیشتر از زندگی و آثار تهرانی بنگرید به مقاله «سید جلال الدین طهرانی» نوشته غلامحسین صدری افشار در میراث علمی، سال ۳، شماره ۱ (شماره پیاپی ۵)، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ص ۱۳۸-۱۴۵.^۲



۱. پژوهشگر آزاد، moradirazini@gmail.com

۲. برای اطلاع بیشتر درباره مربع های وفقی بنگرید به: «مسئله های ریاضی پیرامون شطرنج»، نوشته محمد باقری، میراث علمی، سال ۲،

بسم الله الرحمن الرحيم

بدان که این جزو ثالث را حقیر خود در اعداد انتخاب نموده‌ام و به سلیقه خود در مقدمات و اصطلاحات این علم شریف به اندازه قوه و به حسب استعداد کلامی رانده‌ام و این فقیر سراپا تقصیر بنده عاصی پس از آنکه مدتی قلیل در اعداد و اصطلاحات زحمت کشیدم قدری درک کردم، مثال رشحه [ای] از بحار و ذره [ای] از آفتاب. و باید دانست و فهمید که بر ضمیر دانشمندان عالم پوشیده نیست که اگر کسی علم طب بخواند فقط به خواندن طبیب نگردد و معرفت تامه در طب حاصل نمی‌نماید. و همچنین اگر کسی کتب کیمیاوی قرائت کرد و علمش را دانست کیمیاگر نشود. و کذالک سایر فنون مگر اینکه در نزد استاد کامل و مرشد عامل تلمذ نماید و به مضمون [حدیث] خُذِ الْعِلْمَ مِنْ أَفْوَاهِ الرَّجَالِ^۱ از شخصی که بدان موهبت مشتهر است فراگیرد و معنی العلم فی الصدور لا فی السطور که علم در سینه بود از حضور عالم آن علم اخذ نماید.

نظر کن در عقود فراید اسماء و صفات الهی که منافی بسیار واقع شده، خصوص در عبارات معجز آیات کلام الله مثل هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ^۲ و از اطلاع بر این اصل قدماء حکماء که انوار علوم ایشان از مشکوة^۳ ارشاد انبیاء مقتبس بوده و از مصباح نور مصطفوی اخذ نوری کرده صورت رقمی عدد را وضعی اختیار نموده‌اند که مشتمل است بر وحدت درعین کثرت و غایت موافقت و اتحاد با نهایت مخالفت و مغایرت لذی الانفراد و آن مربعات وفقی است، چه به عرف صاحبان این فن عبارت از آنست که خانه‌های مربع سطحی را از ارقام پر سازند به شرط آنکه حاصل جمع اعداد هریک از قطرین مربع و هریک از سطور طولی و عرضی آن یکی باشد و بلکه می‌بایست سیصد و شصت و شش قاعده حاصل جمع یکی درآید که بعضی از آنها ذکر خواهد شد و با وجود آنکه هیچ خانه [ای] عددش با بیت دیگر موافق^۴ نباشد اعلم وافهم. تعریف علم اعداد: علم اعداد وفقی علمی است که بحث می‌کند از کیفیت [وضع] عدد در لوح بر وجهی که [مجموع] عدد اضلاع طولیه و عرضیه و اقطار مساوی باشند. موضوع علم عدد: موضوع این علم عدد است از حیثیت مذکوره.

→
شماره ۲ (شماره پیاپی ۴)، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، ص ۴۴-۵۲؛ «ساخت مربع وفقی به کمک حرکت اسب شطرنج در ریاضیات دوره اسلامی»، ژاک سزبانو، ترجمه محمد باقری، میراث علمی، سال ۵، شماره ۱ (شماره پیاپی ۹)، بهار و تابستان ۱۳۹۵، ص ۵۲-۷۲؛ «مربع های وفقی در تمدن اسلامی»، ژاک سزبانو، ترجمه پگاه شهوندی، میراث علمی، سال ۶، شماره ۲ (شماره پیاپی ۱۲)، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، ص ۹۲-۱۱۰؛ «مربع های وفقی در رساله ای از محمد کشنوی، ریاضیدان آفریقایی»، جان جی. واتکینز، ترجمه صمد فرخ‌نهاد، میراث علمی، سال ۸، شماره ۱ (شماره پیاپی ۱۵)، بهار و تابستان ۱۳۹۸، ص ۴۵-۵۷.
۱. ترجمه: دانش را از دهان مردان [علم] بگیرد.
۲. آیه ۳ سورة حدید، ترجمه الهی قمشه ای: اول و آخر هستی و پیدا و پنهان وجود همه اوست و او به همه امور عالم داناست.
۳. چراغدان
۴. در نسخه: مفوق

فایده علم عدد: فایده این علم رسیدن به مقامات عالیّه برای اهل ظاهر و من حیث انه علم لاهل الباطن والیقین وله فوائد لم یطلع علیها إلا الداخلین.

لوح: لوح به اصطلاح صاحبان این فن عبارت است از مثلث سه در سه و مربع چهار در چهار و مخمس پنج در پنج و مسدس و مسیع و مثنی و معشر، الی صد در صد و مافوق آن. ولی در مثلث نیز مربع سه در سه نیز نامیده شده است، به ملاحظه آنکه هر یک از الواح کلیه دارای چهار ضلع می باشند هر لوح را زاویه و صلیبی است که مشروحاً عرض خواهد شد.

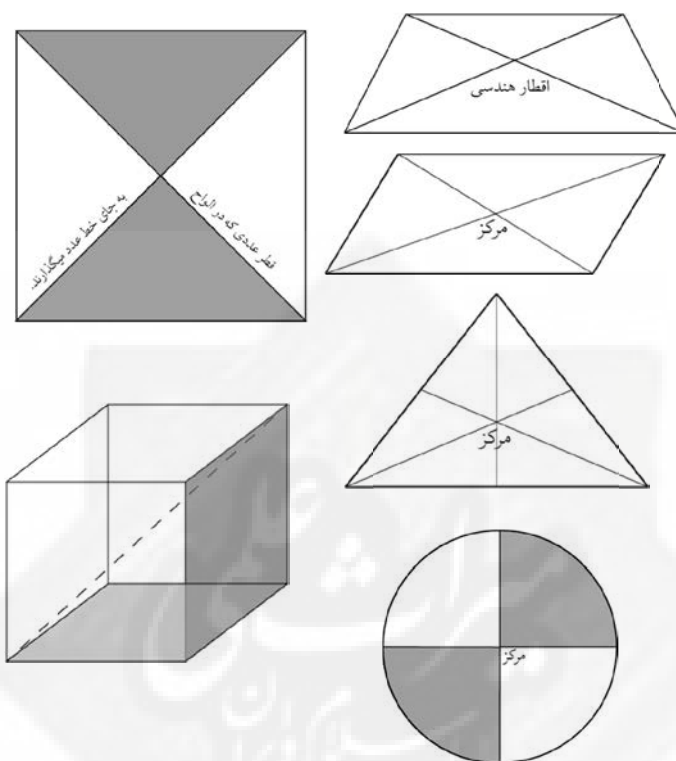
زاویه: زاویه عبارت است از هر گوشه [ای] از چهار گوشه و به اصطلاح هندسیون زاویه محل تلاقی دو خط مستقیم است و یا به عبارت آخری ملتقای دو خط مستقیم را زاویه نامند مطابق شکل اول در نشان دادن زوایا و غیره.



شکل اول

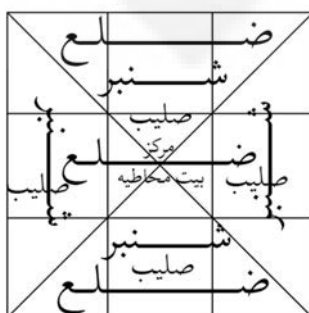
قطر: از زاویه [ای] تا زاویه مقابل را قطر نامند ولی در اصطلاح هیویون قطر در هر یک از سطوح هندسی خواه مربع و خواه مثلث و خواه متوازی الاضلاع و خواه در دوزنقه و غیره عبارت [است] از خط مستقیم هندسی که از مرکز بگذرد و منصف دو زاویه طرف باشد و منتهی گردد به همان دو زاویه. و قطر مختلف است، چنانکه در مربع می توانیم دو قطر رسم کنیم ولی در مثلث سه قطر رسم می کنیم لکن مثلث از حیث تنصیف دو زاویه طرف مستثنی است، بلکه قطر در مثلث عملش تنصیف یک زاویه و ضلع مقابل است. ولی در کره و دایره قطر عبارتست از خطی که از مرکز بگذرد و از دو طرف به محیط دایره یا کره منتهی شود، و در این صورت منصف دایره یا کره است. و در مکعبات عبارتست از خطی که منصف زاویه [ای] از قاعده و منصف زاویه [ای] از قاعده دیگر باشد و از مرکز عبور کند و در او چهار قطر متصور است مطابق شکل ثانی در نشان دادن اقطار.

(الاشكال)

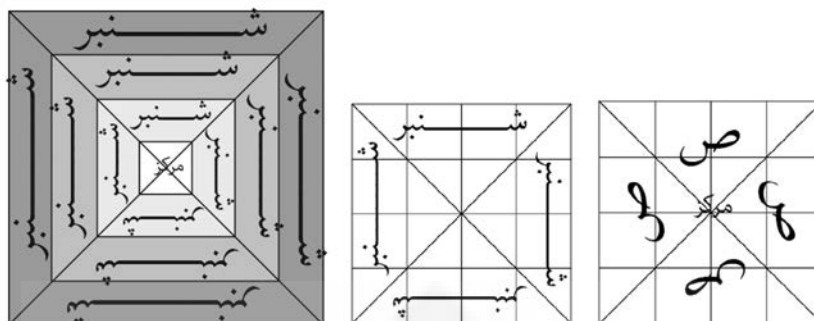


شكل ثانی

صليب: صليب آنست که از خانه میانه هر ضلعی را از شنبه در الواح فردیه در هر ضلعی یک خانه میانه هر ضلع صليب است و در الواح زوجیه دو خانه میانین هر ضلع صليب است مطابق شكل ثالث در نشان دادن صلیبات و شنبهها.



شكل ثالث (بیوت محیطیه شنبه و لی در این صورت بعضی مشترکند)



مسیع که دارای سه شنبّر است

برای نشان شنبّر و قطر

برای نشان صلیب

شکل رابع

شنبّر: شنبّر^۱ عبارت است از بیوت محیطه هر لوحی اما لوح مثلث و مربع یک شنبّر دارند و مخمس و مسدس دو شنبّر دارند و مسیع سه و هر چه یک مرتبه بالا رود یک شنبّر زیاده شود. مثلاً هشت در هشت مثل مسیع [دارای] سه شنبّر است ولی متسع و معشر دارای چهار شنبّرند و قس علی هذا. و بدان که مقصود [از] مرتبه در اینجا عبارت از عدد سابق و لاحق خود است در نظم طبیعی اعداد. مثلاً یک و دو [را] یک مرتبه حساب می‌نماییم و سه و چهار [را] یک مرتبه دیگر، الی آخره، مطابق شکل رابع در نشان دادن شنبّرهای مختلفه.

زکوة: زکوة عبارتست از عددی که باید قبلاً کم نمود و بعد تفاضلش را در لوح گنجانند. و این زکوة مختلف است بنا بر اختلاف الواح. و طریق اخذش کلیه اینست که عدد بیوت هر لوحه [ای] را معین می‌نماییم و یک عدد بر او می‌افزاییم و بعد ضرب می‌کنیم در نصف عدد بیوت یک ضلع و از حاصل ضرب عدد بیوت یک ضلع را نقصان می‌نماییم، حاصل زکوة است.

مثلاً در مثلث عدد بیوت ۹ است. یکی اضافه می‌کنیم، ۱۰ می‌شود. ضرب می‌نماییم در نصف ۳ که عدد بیوت یک ضلع است، ۱۵ می‌گردد. بعد ۳ را که عدد تمام بیوت یک ضلع است از او کم کرده ۱۲ باقی ماند. پس زکوة مثلث ۱۲ است و مربع ۳۰ و مخمس ۶۰ و مسدس ۱۰۵ و مسیع ۱۶۸ و مثنی ۲۵۲ و متسع ۳۶۰ و معشر ۴۹۵ و الی صد در صد که زکوة او ۴۹۹۹۵^۲ است و بعضی گفته‌اند که خیر، زکوة همان عدد وفقی هر لوحی است. مثلاً مثلث زکوتش ۱۵ و مربع ۳۴ و مخمس ۶۵ الخ.

بدان که اول لوح از الواح فردیه که وفق می‌دهد سه در سه است و مادون او که یک در یک و دو

۱. شنبّر در عربی به معنی پوشش زنان است.

۲. در نسخه: ۴۹۹۹۵۰

1	3	4
1		9
6	7	2

4	3	1
9	5	1
2	7	

2		4
7	5	3
6	1	1

1		6
3	5	7
4	9	2

در الواح عددیه دیگر اما طریق وضع عدد لوح مربع در آن نیز برای نشان دادن مربع آشکارا و رموز اختلاف است. آنچه اظهر و اشهر است آنست که یک را در زاویه یمنی ضلع عالی وضع نمایند و دورا در فرس او که خانه سیم است از ضلع دوم و سه را در فرزین او و آن خانه چهارم ضلع سوم است می نهند و چهار را در خانه دوم از ضلع آخر، یک دوره تمام شد. پس ابتدا کنند به دوره دوم، پنج را در پهلوی چهار از جانب ایسر و شش را در خانه اول از ضلع فوق سافل و هفت را در خانه دوم از ضلع تحت ضلع عالی و هشت را در زاویه یسری ضلع عالی تمام شد دوره دوم. پس ابتدا کنند به دوره سوم و نه را در خانه فیل هشت وضع نمایند و ده در فیل هفت و یازده را در فیل شش و دوازده را در فیل پنج وضع کنند تمام شده دوره سیم. پس ابتدا کنند به دوره چهارم، سیزده را

در فیل چهار وضع نمایند و چهارده را در فیل سه و پانزده را در فیل دو و شانزده را در فیل یک و صورت عمل جهت سهولت در فوق گذشت و این مربع ثانی را برای نشانیدن بیوت شطرنجیه از اسب و فیل و فرزین و غیره کشیدم تا بر خارج از اصطلاحات علم شطرنج آسان شود.

۱	ید	یا	ح
۱	۱۴	۱۱	۸
یب	ز	ب	یج
۱۲	۷	۲	۱۳
و	ط		ج
۶	۹		۳
یه	د	هـ	ی
۱۵	۴	۵	۱۰

زاویه یمنی	فیل سوم	فیل ششم	زاویه یسری
فیل پنجم	صلیب ایمن	فرس	فیل چهارم
صلیب ایمن	فیل هشتم	فیل یکم	فرزین
فیل دوم	صلیب ایمن	صلیب ایسر	فیل هفتم

اما طریق وضع لوح مخمس آنست که شنبه محیط این لوح که شانزده خانه است نصف این شنبه را عدد نهند و نصف دیگر را خالی گذارند، بدین طریق که عدد واحد را در صلیب ایمن ضلع ایمن نهند و دو را در تحت او نویسند و سه را در زاویه یسری ضلع سافل و چهار را در خانه یمنی این زاویه و پنج را در صلیب ضلع عالی و شش را بالای صلیب ایسر و هفت را در زاویه [ای] که فوق این خانه است و هشت را در خانه یمنی پنج نهند. حال نصف شنبه موضوع العدد شد. باقی از این شنبه که هشت خانه دیگر است خالی ماند و لوح داخل را که سه در سه است به طریقی که مذکور شد پر سازند. پس در مثلث این لوح که داخل مخمس است نظر کردیم: هفده قرینه نه واقع شده در مثلث هیجده را در شنبه مخمس در مقابله هشت می نهند و نوزده را در مقاطر هفت و بیست را در

مقابله شش و بیست و یک را در مقابله پنج و بیست و دو را در مقابله چهار و بیست و سه را در مقاطر سه و بیست و چهار را در مقابله دو و بیست و پنج را در مقابله یک. حاصل آنکه چون به وضع مقابلات رسد به طریق منازل فرود می آید تا عدد لوح به مقابله عدد واحد منتهی شود و از جهت سهولت تمام شکل و صورت نموده شد تا بر طالبان آسان گردد.

۷	۲۲	۵	۸	۲۳
ز	ک	هـ	ح	کج
۶	۱۲	۱۱	۱۶	۲۵
و	یب	یا	یو	ک
۲۵	۱۷	۱۳	۹	۱
که	یز	یج	ط	ا
۱۱	ی	۱۵	۱۴	۲
یا	۱۰	یه	ید	ب
۳	۴	۲۱	۱۸	۱۹
ج	د	کا	یح	یط

(جذب القلوب)

اما بدان که صاحبان این فن شریف در مثلث و مربع و مخمس درج اسماء نمایند. چون مقاصد از این سه لوح حاصل می گردد، محتاج نمی شوند به درج اسماء در لوح فوق العاده، اگر چه ممکن است درج اسماء در مافوق آنها. و نیز از جهت آنکه اگر مقصود از جنس انفصالت، مثل تفریق میان دو کس و نقصان دولت که دشمن و عدو دین است یا نقصان مال یا جاه او، از مثلث حاصل است. و اگر مقصود از جنس انفصال نیست و اتصال را خواهانی مثل اتصال میان دو شخص یا حصول دوستی برای خود یا مطلب دیگر از مربع حاصل است. و اگر مقصود از جنس حوائج است بر سیل محبت و جذب قلوب به جانب طالب او، از مخمس حاصل است. و مخمس را «لوح جذب القلوب» گویند. پس چون خواهند که اسم طالب و مطلوب را قصد تفریق نمایند میان ایشان، در مثلث درج کنند حاصل نام هر دو را به حساب ابجد بگیرند و عدد وفق طبیعی مثلث را که پانزده است از حاصل کم کنند و باقی را سه قسم نمایند. اگر حاصل بعد از طرح عدد وفق طبیعی به سه قسم صحیح می شود بلاکسر، بر یک قسم یک عدد افزوده کنند و در خانه اول مثلث که خانه عدد یک است در وفق طبیعی وضع نمایند و ترتیب وضع طبیعی تمام سازند. و اگر بعد از طرح و انقسام، یک عدد کسر کند، در خانه دوم از ضلع آخر یک عدد بر عددی که درین خانه خواهد وضع کردن بیفزاید و تمام سازد و هر دو عدد کسر باشد در خانه هفتم دو عدد افزوده کنند و اهل این فن در این اختلاف نموده اند. و طریق درج اسماء در مربع آنست که حاصل نام طالب و مطلوب را با حاصل اسمی از اسماء الله بگیرند و از وی سی و چهار که عدد وفق طبیعی مربع است طرح کنند و باقی را چهار قسم نمایند

و اگر قسمت صحیح باشد بر یک قسم آن یک عدد بیفزایند و در خانه‌ای وضع نمایند و تمام سازند. و طریق درج اسماء در مخمس آنست که نام طالب و مطلوب را بگیرند و از وی عدد وفق طبیعی مخمس را که شصت و پنج است کم کنند و باقی را پنج قسمت نمایند و اگر کسر ندارد یک عدد بر یک قسمت آن افزوده در خانه اول وضع نمایند.

و مخفی نمایند که ارباب این فن در نسبت الواح به کواکب سیاره اختلاف نموده، مثل آنکه لوح مثلث را به قمر منسوب کرده‌اند و بعضی به مریخ و قاعده آن چنانست: اول که عدد واحد است به زحل منسوب است و عدد دو به مشتری و سه را به مریخ و چهار به شمس و پنج به زهره و شش به عطارد و هفت به قمر منسوبست. و چون عدد یک و دو وفق ندارند، اهل اعداد آن را از اعتبار انداخته‌اند و باقی را معتبر ساخته‌اند. پس اول عدد که وفق می‌دهد سه در سه است و مأخذ آن سه است و او را به مریخ نسبت داده‌اند که مرتبه سیم است از اعداد و مربع را که مأخذ آن چهار است به شمس منسوب کرده‌اند و مخمس را به زهره و مسدس را به عطارد و مسبع را به قمر نسبت داده‌اند. و چون سلسله این نسبت به قمر منسوب [و] منتهی می‌شود باز عود می‌کند به زحل و گویند مثنی به زحل نسبت دارد و متسع به مشتری و معشر به مریخ و یازده در یازده به شمس و دوازده در دوازده به زهره و سیزده در سیزده به عطارد و چهارده در چهارده به قمر و همچنین بالا رود تا صد در صد بنابر این صد در صد به مشتری منسوبست.

و خواص مثلث: اگر در وقتی که مریخ را با قمر نظر تربیع یا مقابله باشد وضع مثلث نمایند و نام شخص را در آن درج نمایند و یا وفق طبیعی آن را وضع نمایند و در آستانه آن شخص و یا در تحت دیوار منزل او یا داخل منزل او دفن کنند آن کس از آن منزل جدا شود و در آن منزل قرار نتواند گرفت و اگر حاصل نام دو کس را در لوح مثلث وضع کنند میان ایشان تفریق وضع شود و عداوت در دل ایشان با یکدیگر پیدا گردد.

و خواص مربع: اگر مربع را در شرف شمس و یا در نظر تثلیث و یا تسدیس آفتاب با قمر وضع کنند سبب محبت و دوستی گردد. و اگر حاصل اسمی از اسماء الله در مربع درج کنند و با خود دارند خواصی که در آن اسم است به روزگار حامل او عاید گردد.

و خواص مخمس: اگر حاصل نام طالب و مطلوب را در آن درج کنند، مطلوب به جانب طالب مایل گردد و محبت پیدا کند.

بدان که عدد یا زوج است یا فرد زیرا که اگر متقسم شود به مساوی و در آن کسر نباشد، او را زوج خوانند والا فرد گویند. و زوج بر سه قسم است. اگر قابلیت تنصیف تا به واحد دارد او را زوج الزوج خوانند چون هشت و شانزده و مضاعف آنها. و اگر قابلیت تنصیف تا به واحد ندارد بلکه قابلیت مره واحده را دارد چون شش، او را زوج الفرد گویند. و اگر قابلیت تنصیف باشد زیاده از یک بار آن را زوج الفرد خوانند چون دوازده.

و همچنین در اصطلاح اهل وفق اوافق بسیار است، مانند وفق طبیعی^۱ و وفق ملفق و وفق ساذج و وفق معتدل الدور و وفق ذوالکتابه^۲ و وفق ذوالمبدئين و وفق تام^۳ که آن را وفق منتظم و محلق خوانند و وفق ملمع که جامع اوافاقست و تفصیل این اوافاق باعث ملال اهل وفاق است. هر که خواهد به کتب قوم رجوع نماید و برای آنکه این مختصر ناقص نباشد در کتابی مختصر و رساله وجیزه ذکر کرده‌ام. و صلی الله علی محمد وآله اجمعین.

تمت بالخیر فی یوم دوشنبه ۱۷ شهر ذی حجه ۱۳۳۴ در حجره مدرسه امین الدوله طهران قلمی شد.
[حاشیه مورب در گوشه پایین سمت راست صفحه پایانی:]

بسم الله الرحمن الرحيم

مشهود خاطر علماء اعلام این فن شریف می باشد که مؤلفین زیادی در این علم کتاب هایی نوشته اند ولی مخفی نباشد که رساله [ای] بدین اختصار و ایجاز در غایت کمال نوشته نشده حرره الأحقر محمد بن علی الحسنی الحسینی جلال الدین طهرانی فی لیلۃ شنبه ۱۷ شهر ع ۱ [ربیع الاول] ۳۷ [۱۳].



۱. وفق طبیعی یعنی اینکه اعداد جدول از یک شروع و یکی یکی زیاد شود.

۲. وفق ذوالکتابه یعنی اینکه خانه های مربع شامل عدد و حرف باشد.

۳. وفق تام یعنی اینکه اگر لایه بیرونی مربع وفقی پیاپی حذف شود، هر بار مربع باقی مانده همچنان وفقی باشد. آن را در عربی «طوق علی طوق» یا «علی طریق التطویق» و در فارسی «طوق دار» هم خوانده اند.

[illegible]

صلح نامه شد و سر از اصفهان صلح علیه انرا دادند
 و چون از اصفهان به لاریان صلح ^۱ و چون از اصفهان به
 اصفهان صلح نمود و دشمنان از اصفهان صلح نمود
 قرار نمود و صلح علیه انرا دادند و صلح
 و صلح علیه انرا دادند و صلح علیه انرا دادند

شاید منزهه فی المایع منوره — و بی کلامی در بیان عدد حروفی که در آن آمده است

وہابی

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله
والحمد لله رب العالمين

[illegible]

